

نامه های



منصور هاشمی خراسانی



شماره: ۹

موضوع: نامه‌ای از آن جناب در تشبیه کار خود برای مهدی به کار مسلم بن عقیل  
برای حسین

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جناب منصور هاشمی خراسانی در نامه‌ای برای عمیر بن احمد حسینی از یاران خود  
در خراسان نوشت:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

و اما بعد؛ ای پسر احمد! هرآینه مثل من در میان اهل خراسان مثل مسلم بن عقیل در  
میان اهل عراق است؛ پس بنگرید که با من چگونه می‌کنید؛ زیرا به خدا سوگند مهدی  
برای چیزی قیام می‌کند که حسین برای آن قیام کرد و هر کس مهدی را یاری کند مانند  
کسی است که حسین را یاری کرده و رستگاری برای کسی است که به پیمان خود با او  
وفادار است؛ و السّلام».

### شرح نامه:

ابو الفرج اصفهانی (د. ۳۵۶ق) در کتاب مقاتل الطالبیین نقل کرده است: «لَمَّا بَلَغَ  
أَهْلَ الْكُوفَةِ نَزُولَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَكَّةَ وَأَنَّهُ لَمْ يَبِاعَ لِيَزِيدَ، وَفَدَّ إِلَيْهِ وَفَدَّ مِنْهُمْ  
عَلَيْهِمْ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْجَدَلِيُّ، وَكَتَبَ إِلَيْهِ شَيْبَةُ بْنُ رَبِيعٍ وَسَلِيمَانُ بْنُ صَرْدٍ وَالْمَسِيَّبُ  
بَنُ نَجِيَّةٍ وَوَجُوهُ أَهْلِ الْكُوفَةِ يَدْعُونَهُ إِلَى بَيْعَتِهِ وَخَلَعَ يَزِيدُ، فَقَالَ لَهُمُ الْحُسَيْنُ: <أَبْعَثْ  
مَعَكُمْ أَحِيَّ وَابْنَ عَمِّي، فَإِذَا أَخَذَ لِي بَيْعَتِي وَأَتَانِي عَنْهُمْ بِمِثْلِ مَا كَتَبُوا بِهِ إِلَيَّ قَدِمْتُ  
عَلَيْهِمْ>، وَدَعَا مُسْلِمُ بْنُ عَقِيلٍ فَقَالَ لَهُ: <أَشْخَصْ إِلَى الْكُوفَةِ، فَإِنَّ رَأَيْتَ مِنْهُمْ اجْتِمَاعًا  
عَلَى مَا كَتَبُوا، وَرَأَيْتَهُ أَمْرًا تَرَى الْخُرُوجَ مَعَهُ، فَانْتَبْ إِلَيَّ بِرَأْيِكَ>، فَقَدِمَ مُسْلِمُ الْكُوفَةَ،



وَأَتَتْهُ الشَّيْعَةُ، فَأَخَذَ بِيَعْتِهِمْ لِلْحُسَيْنِ»<sup>۱</sup>؛ «هنگامی که به اهل کوفه خبر رسید که حسین علیه السلام به مکه رفته و با یزید بیعت نکرده است، نمایندگان از جانب آنان به سوی او روانه شدند که ابو عبد الله جدلی در رأس شان قرار داشت و شبت بن ربیع و سلیمان بن صُرد و مسیب بن نجیة و دیگر بزرگان کوفه با او مکاتبه کردند و خواستار بیعت با او و خلع یزید شدند. پس حسین به آنان فرمود: <برادرم و پسر عمویم را با شما می‌فرستم. پس اگر برایم بیعت گرفت و مانند آنچه (اهل کوفه) نوشتند را به من گزارش داد، به سوی آنان روانه خواهم شد.> سپس مسلم بن عقیل را خواست و به او فرمود: <به سوی کوفه رهسپار شو. پس اگر دیدی که بر آنچه نوشته‌اند اجتماع دارند و آن را فراخور قیام دیدی، نظرت را برایم بنویس.> پس مسلم به کوفه آمد و شیعیان به نزدش آمدند و او از آنان برای حسین بیعت گرفت». سپس ماجرای آنان را نقل کرده است تا آنجا که او را تنها گذاشتند و به عبید الله بن زیاد تسلیم کردند، به نحوی که وقتی او - که خداوند رحمتش کند - به مرگ خود یقین پیدا کرد، کسی را نیافت که به او وصیت کند و ناچار به یکی از دشمنانش که با وی خویشاوندی داشت وصیت کرد و به او گفت: «ابْعَثْ إِلَى الْحُسَيْنِ مَنْ يَرُدُّهُ»<sup>۲</sup>؛ «کسی را به سوی حسین بفرست تا او را برگرداند». پس مراد جناب منصور حفظه الله تعالی از این تمثیل آن است که همان طور که مسلم بن عقیل برای زمینه‌سازی حکومت حسین به عراق آمد، آن جناب نیز برای زمینه‌سازی حکومت مهدی به خراسان آمده است و همان طور که مسلم بن عقیل از اهل عراق برای حسین بیعت گرفت، آن جناب نیز از اهل خراسان برای مهدی بیعت می‌گیرد و همان طور که خذلان مسلم بن عقیل توسط اهل عراق مانع از رسیدن حسین به حکومت شد، خذلان آن جناب توسط اهل خراسان نیز مانع از رسیدن مهدی به حکومت می‌شود و با این وصف، بایسته است که از تاریخ عبرت گرفته شود تا از تکرار آن جلوگیری شود و این مبتنی بر سخن خداوند بلندمرتبه است که فرموده است: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ»<sup>۳</sup>؛ «هرآینه در داستان‌های آنان عبرتی برای خردمندان است» و فرموده است: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ

۱. مقاتل الطالبيين لأبي الفرج الأصفهاني، ص ۶۳

۲. همان، ص ۶۷

۳. یوسف / ۱۱۱



فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ ﴿٤﴾؛ «بگو در زمین بگردید و ببینید عاقبت کسانی که در گذشته بودند چگونه بود».



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی



۴ . الزوم / ۴۲

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی حفظاً بالله تعالی



\* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.

صفحه توییتر پایگاه

صفحه اینستاگرام پایگاه

صفحه کانال تلگرام پایگاه

صفحه فیسبوک پایگاه

لینک وبسایت پایگاه